

سلامت و معیشت؛ گروگان سیاست‌های انتخاباتی

الف: سلامتی مردم و چالش دوقطبی دولتی در ستاد کرونا

ساعاتی پیش از آغاز طرح دولت برای تعطیلی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی اعم از کسب‌وکارها و تجمعات مختلف به منظور قطع زنجیره انتقال ویروس کرونا، رضا ملک‌زاده معاون تحقیقات وزارت بهداشت با انتشار نامه تندوتیزی خطاب به وزیر بهداشت، از سمت خود استعفا داد و از جمع حلقه اول مدیران بهداشت درمان عضو ستاد ملی مقابله با ویروس کرونا خارج شد. آنچنان که از متن نامه وی، انتقادهای بعدی به این استعفا نهایتاً نامه وزیر بهداشت در انتصاب فرد جدید به‌عنوان سرپرست این معاونت مشخص است، ملک‌زاده اصلی‌ترین مدافع ایده ایمنی‌گله‌ای در وزارت بهداشت و همچنین نفر اصلی در مسیر همکاری ایران با سازمان بهداشت جهانی برای استفاده از بیماران ایرانی در طرح مطالعاتی کارروزی این سازمان برای درمان کرونا بوده است. (همان طرحی که ملک‌زاده اوایل مهرماه در گفت‌وگو با ایرنا از آن یاد کرد و گفت: «تاکنون بیش از ۱۱ هزار بیمار کرونایی بستری در ۵۰۰ بیمارستان از ۳۰ کشور جهان وارد مطالعه شده‌اند که در این بین، ایران با ثبت نام سه هزار و ۵۰۰ بیمار، موفق به کسب رتبه نخست در «تعداد بیماران مشارکت‌کننده» در مطالعه کارآزمایی بالینی سازمان بهداشت جهانی برای درمان این بیماری شده است.) اطلاعاتی که اثبات می‌کند تا به امروز هرآنچه موفقیت یا شکست در مبارزه با کرونا برای کشور ایجاد شده، بخش مهمی از آن با مشارکت و هدایت‌های ملک‌زاده بوده است.

درخصوص این استعفا دو نکته مهم وجود دارد؛ اول اینکه چنین شکافی در میانه حلقه اصلی مدیران ستاد مقابله با کرونا آن هم در شرایطی که ایران صدر تعداد قربانیان روزانه در سطح جهان را لمس کرده است نشان می‌دهد از ابتدا تدابیر درستی در تشکیل این ستاد ازسوی دولت صورت نگرفته و احتمالاً تاکنون کار با آزمون و خطا جلو رفته است، علاوه بر اینکه رأس دولت یعنی رئیس‌جمهور هم اکنون قادر به جمع و جور کردن این وضعیت نیست و حداقل در جریان این اتفاق فعلاً نظاره‌گر بوده است و دوم اینکه کنار کشیدن مدیرانی که گفته می‌شود بدنه چپ وزارتخانه هستند مانند ملک‌زاده و نوبخت، گویای همان چالش قبلی درون دولت است که تاکنون بارها اتفاق افتاده بود، همان دو دسته‌شدن‌های حزبی و سیاسی مانند چالشی که میان کارگزاران-اعتدال و توسعه یا قاضی‌زاده-ریعی پیش‌تر به وقوع پیوسته بود. این شکاف را البته به‌خوبی می‌توان از صف‌آرایی حامیان و منتقدان اتفاق اخیر که همگی از مدافعان دولت هستند دریافت، بدنه رسانه‌ای نزدیک به اصلاح‌طلبان دیروز تمام‌قد پشت ملک‌زاده درآوردند. مساله جالب توجه دیگر در این میان این بود که حتی خبرگزاری ایرنا به‌عنوان ارگان اصلی اطلاع‌رسانی دولت هم با انتشار مطالبی منتقدانه نسبت به وزیر بهداشت رفتار کرد.

با این توصیفات و البته دقت در پیشینه آنچه در جریان مواجهه با کرونا در ستاد مرکزی تصمیم‌گیری شده، به‌خوبی می‌توان به این نتیجه رسید که مردم متضرر اصلی این کش مکش‌ها و بی‌تدبیری‌ها در ستاد ملی مقابله با کرونا هستند و سلامتی مردم تا امروز دست حداقل ۲ گروهی بوده که هرکدام دیگری را به اقدام غیرعلمی محکوم می‌کنند و هیچ‌کدام هم فعلاً حاضر نیستند پاسخگوی رقم حدوداً ۵۰۰ نفری تلفات در روز باشند، رقمی که البته گفته می‌شود طی روزهای آینده ممکن است ۴ رقمی هم بشود.

ب: گروگان‌گیری منافع ملی با وعده سیاست خارجی

امروز که این سطور نوشته می‌شود تنها ۷ ماه از ماموریت ۸ساله دولت روحانی باقی مانده است. در این ۷ سال و نیم گذشته آنها هرچه ایده داشته‌اند عملیاتی



کرده و هر راهی که می‌خواستند رفته‌اند و حالا کارنامه‌ای دارند که منطقی‌طی ۷ ماه خیلی قابل تغییر نیست. نگاهی به این کارنامه گویای این است که ایده حل مشکلات کشور از مسیر سیاست خارجی، آن هم نه تعامل با همه کشورها که محدود کردن دنیا در چند کشور غربی، چه نتایجی برای کشور داشته است. برجام به‌عنوان بزرگ‌ترین سند و دستاوردی که دولت حسن روحانی می‌توانسته برای کشور به ارمغان آورد، امروز قابل ارزیابی است و نتایج آن به عدد و رقم دقیقی در دسترس است. برجام در تابستان ۹۴ امضا شد و در زمستان همان سال اجرایی، وعده دولت هم این بود که در تحریم‌ها ترک برداشته و هرگز باز نخواهند گشت، این وعده را هم حسن روحانی و هم محمدجواد ظریف بیان کردند و به تأکید ویژه برآن پافشاری. علاوه بر این لشکر رسانه‌ای حامی دولت که بیشترشان رسانه‌های اصلاح‌طلب بودند هم در این ایام تلاش می‌کردند با وعده‌های گران برجام را به مردم بفروشنند. همان تصاویر و صحنه‌سازی‌هایی که دلار هزار تومان می‌شود و... تنها نمایی از این تلاش‌ها بود.

با این وجود چه پس از امضا و چه پس از اجرای برجام، هیچ تغییر محسوس یا حتی غیرمحسوس در وضعیت اقتصادی کشور و زندگی روزانه مردم ایجاد نشد، و با وجود اینکه از سال ۹۲ تا ۹۴ به مردم وعده داده می‌شد که صبر کنید تا توافق صورت بگیرد، در دوسال بعدی هم این وعده دادن‌ها مداوم یافت و همواره مردم اعم از مردم عادی، تولیدکنندگان، صادرکنندگان و... منتظر گشایشی ویژه، کاهش قیمت‌ها یا مسائل اینچنینی بودند.

برای اینکه ماجرا واضح‌تر شود، می‌توان از نرخ دلار به‌عنوان یک نمونه استفاده کرد. دولت دلار را در محدوده ۳ هزار تومانی در تابستان ۹۲ از دولت دهم تحویل گرفت و بدون تغییر محسوس آن را تا تابستان ۹۴ که برجام امضا شد جلو برد، دقیق‌تر اینکه نرخ دلار در تابستان ۹۲ حدوداً ۳۱۰۰ تومان بود و موعد امضای



برجام ۳۳۰۰ تومان. دو سال بعد یعنی در تابستان ۹۶ که قاعدتاً می‌بایست برجام جواب داده باشد و شرایط بهتر از ایام پیش‌برجام باشد، دلار به‌جای کاهش بازهم افزایش نشان داده بود و این بار به حدود ۴ هزار تومان رسیده بود و این روند ادامه داشت تا زمانی که آمریکا از برجام خارج شد. در زمان خروج ایالات متحده از توافق نرخ دلار حدوداً ۵ هزار تومان را نشان می‌داد. در مورد سرمایه‌گذاری خارجی هم هرچند روند قدری متفاوت است اما بازهم در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ ارقام آنقدر پایین‌تر از گذشته هست که نتوان از آن دفاع ویژه‌ای کرد. هم‌زمان با ایام تشدید تحریم در سال ۲۰۱۲ سرمایه‌گذاری در ایران حدود ۴/۴ میلیارد بود، و به تدریج این میزان کم شد تا اینکه دقیقاً در یک سال پس از اجرای برجام یعنی در سال ۲۰۱۵ از نصف هم کمتر شد و در سطح ۲ میلیارد دلار جا خوش کرد. این رقم در سال ۲۰۱۶ یعنی سال دوم پس از اجرای برجام به سطح ۳/۳ رسید که بازهم با آنچه وعده داده شده بود فاصله زیادی داشت.

بعد از خروج آمریکا از برجام که طبیعتاً بخشی از آن به‌خاطر عدم توازن برجام و کم‌هزینه بودن چنین اقدامی برای طرف خاکی یعنی ایالات متحده بود، شرایط بیشتر از گذشته سخت شد و عدم توانمندی دولت در اداره کشور بیشتر خود را نشان داد و کار به اینجایی رسید که اکنون در آن هستیم.

۹ بازهم منتظر بمانید!

با همه این اوصاف، اکنون که ترامپ ظاهراً رفتنی شده و جو بایدن از ژانویه آینده به کاخ سفید وارد خواهد شد، دولت و رسانه‌های نزدیک به آن دست به کار شده‌اند تا تجربه شکست‌خورده قبلی را دوباره به مردم بفروشند. رسانه‌های نزدیک به دولت از جمله اعتماد، صدا و... در روزهای اخیر به‌گونه‌ای اظهار نظر می‌کنند که گویی حضور جو بایدن در کاخ سفید ایران را گلستان خواهد کرد و مشکلات

ایمانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مردم بابت تصمیم‌گیری وزارت بهداشت درباره کرونا سردرگم هستند

استعفا در شرایط بحرانی کرونا فرار از مسئولیت است

۹ نماینده دولت ۴۸ ساعت پس از مخالفت با طرح مجلس طرح معیشتی ارائه داد

به‌طور مثال طرح کالاهای اساسی که مجلس ارائه داد یکی از این موارد است؛ درحالی که مجلس طرحی را بررسی کرد و آن را ارائه داد، نماینده دولت به‌شدت با این طرح مخالفت کرده و به فاصله ۴۸ ساعت بعد دولت خودش طرح معیشتی ارائه داد! آنها لطف کردند تا مردم کم‌درآمد نیز بتوانند مختصر درآمدی داشته باشند اما این حرکت چه معنایی در افکار عمومی مردم پیدا می‌کند؟ بنابراین برداشت مردم از اقدامات دولت بسیار مهم است، باید دید آیا مردم این را به‌عنوان کمک به اقشار آسیب‌پذیر تلقی می‌کنند یا عکس‌العملی در برابر طرحی که مجلس داده تا این کار به اسم دولت تمام شود؟

در حوزه سیاست خارجی چطور؟

در بحث مذاکره با غرب نیز پالس‌هایی ارسال می‌شود. دقت کنید پیش از امضای برجام و در زمان امضای برجام اوپاما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا و همین‌طور وزیر امور خارجه آن به‌صراحت اعلام کرد ایران به این دلیل مذاکره کرد که از پا افتاده بود. از این رو اینکه اکنون دوباره این تصور را دولت در مقامات آمریکایی ایجاد کند، به‌شدت برای منافع ملی آسیب‌زننده است.

۹ اگر غرب احساس کند ما از سر استیصال حرف از مذاکره می‌زنیم نتیجه عکس می‌دهد

اگر آنها احساس کنند ما از سر استیصال حرف از مذاکره می‌زنیم، درست نتیجه عکس ایجاد می‌کند و نه تنها به مذاکره ختم نمی‌شود، بلکه آنها را جری‌تر می‌کند؛



داده و معاونان ایشان با لحن تند علیه وزیر استعفا نامه می‌نویسند و به کلی تمام مصیبت‌هایی که سر کشور آمده است، به گردن وزیر بهداشت می‌اندازند. این اقدامات قطعاً درست نیست.

۹ برگشتن آمریکا به برجام مذاکره نیاز ندارد

برگشتن آمریکا به برجام مذاکره نیاز ندارد، چرا که می‌توانند به‌سادگی تمام تحریم‌ها را بردارند و اعلام کنند به برجام بازگشتند و ایران هم تعهدات خود را طبق برجام که سال‌ها انجام می‌داد، اجرایی کند؛ بنابراین مذاکره معنا ندارد مگر اینکه منظور آقایان مذاکرات دیگر درباره برخی از توانایی‌های نظامی ایران باشد که اساساً ایران مذاکره‌ای در این خصوص نمی‌کند. از این رو پالس و علامت‌هایی که بعضاً فرستاده می‌شود، معنا ندارد و مطابق منافع ملی کشور نیست.

۹ قرار گرفتن ایران در رده‌های بالای مرگ‌ومیر در دنیا ناامیدکننده است

عملکرد دولت در زمینه کرونا به‌ویژه پس از استعفا فعلی معاون آقای نمکی را چطور تحلیل می‌کنید؟

درخصوص بحث کرونا باید بیان کنم اعتراضات زیادی از سوی متخصصان وجود دارد که کشور نباید به این مرحله برسد که جزه رده‌های بالای مرگ‌ومیر در دنیا قرار بگیریم، چرا که این امر ناامیدکننده است.

در خاورمیانه و منطقه از جهت تعداد مبتلایان و تعداد فوتی‌ها ایران اول است و در دنیا به‌نسبت تعداد جمعیت از نظر مبتلایان و بالاخص از نظر فوتی‌ها در مقام بالایی هستیم. آیا این پسندیده است؟ با وجود این خبرهای متعددی شنیده می‌شود که وزیر بهداشت بارها استعفا

کشوری که اقتصاد آن رشد منفی دارد و مجبور می‌شود تعطیلات اینچنینی را به اقتصاد و اقشار آسیب‌پذیر کشور تحمیل کند. سوال ما این است چه کسی مسئول این اتفاقات است؟ آیا وزارت بهداشت درست عمل می‌کند؟ اگر درست عمل می‌کند پس اختلافات داخل وزارتخانه چیست؟ اگر عملکرد وزارت بهداشت متناسب با ابیهدمی کرونا نیست، چرا دولت زودتر تدبیری نمی‌اندیشد تا تیمی در وزارت بهداشت مستقر شوند که حداقل همه تیم به این نوع اقدامی که درباره کرونا می‌شود، معتقد باشند. بنابراین متأسفانه مردم در سردرگمی هستند و مشخص نیست کارهایی که درباره کرونا در کشور و تصمیماتی که در ستاد کرونا گرفته می‌شود، درست است یا خیر. اگر درست است چرا در وزارت بهداشت این همه اختلاف وجود دارد؟ ما صرفاً بدون اینکه فضاوت کنیم حق با چه کسی است، از بیرون و از دید افکار عمومی مردم این مسائل را طرح و نقد می‌کنیم.